

# ای کاش بودم پیش تو

13 تیر 1404

آن روز هنگام محک، یا لیتنی کنت معک  
ماندی چرا یکباره تک؟، یا لیتنی کنت معک

هل من معین سردادی و سردار بی یاور شدی  
دیر آمدم بهر کمک، یا لیتنی کنت معک

خورشید هم زل زد به تو، ابری نیامد پیش تو  
فریاد از دست فلک، یا لیتنی کنت معک

آن روز جای آب خوش، در ظهر لبریز عطش  
خوردند لبهایت ترک، یا لیتنی کنت معک

وقتی که پرپر غنچه را، دیدی در آغوش خودت  
تا آسمان خون زد شتک، یا لیتنی کنت معک

ای کاش جای بچه ها، آن روز در دشت بلا  
می خوردم آری من کتک، یا لیتنی کنت معک

تا دشمنت شد حمله ور، شوری بپا شد در حرم  
پاشید بر زخمت نمک، یا لیتنی کنت معک

در روضه ات بر صورتم، افتاد اشک مادرم  
شددر دلم این جمله حک، یا لیتنی کنت معک

لیوان به لیوان هر زمان، سوزد شبیه تشنگان  
گوید به تو آب خنک، یا لیتنی کنت معک

*سید محمد حسین ابوترابی*